

بررسی انتقادی و تحلیلی جریان های شعر سنت گرای معاصر^۱

نصرت اله دین محمدی کرسفی

استادیار ادبیات فارسی، واحد خدابنده، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران، خدابنده

چکیده

یکی از مقولات نوین ادبی که چهار دهه قبل در میان منتقدان ادبی ایران مطرح شده، اصطلاح جریان شعری (Poetic Current) است. منظور از جریان شعری، اصول مشترک گروهی از صاحب نظران شعر و ادب است که در صددند تا با ارائه مانیفست خاصی، برای زدودن کهنگی ها از سیمای شعر روزگار، راه نوینی پیشنهاد کنند. یکی از این جریانهای شعری، "جریان شعر سنت گرای معاصر" است که در کنار سایر جریانهای مدرن شعری، همچنان به راه خود ادامه داده است. مقصود از این جریان شعری، شعری است که از نظر قالب هیچ تفاوتی با شعر کلاسیک فارسی ندارد و در قالب های غزل، قصیده، رباعی، مثنوی و دوبیتی نو سروده می شود. اهتمام نگارنده بر این است که با استفاده از شیوه نقد تحلیلی (Analytical criticism) و ادبیات انتقادی (Literary criticism)، به بررسی و تحلیل و معرفی جریانهای شعر سنت گرای معاصر از آغاز سده حاضر تا کنون بپردازد. حاصل بحث، شناسایی چهار جریان شعری در سده اخیر است که در این سیاهه به ترتیب زیر معرفی شده اند: ۱- جریان شعری سنت گرایان محض ۲- جریان شعری نیمه سنتی (کلاسیک های جدید) ۳- جریان شعر سنتی مدرن (شعر رمانتیک جامعه گرا و انقلابی) ۴- جریان شعر سنت گرای پست مدرن (غزل پست مدرن).

واژه های کلیدی: جریان شعری، شعر سنت گرا، شعر نو، شعر سنتی مدرن، شعر سنتی پست مدرن.

^۱ داوری و گزینش توسط کنگره بین المللی زبان و ادبیات مشهد

۱- مقدمه

مقوله "جریان شعری" (Poetic current) از پدیده های نوظهور و برساخت های نوین در ادبیات معاصر فارسی است. البته تاریخ شکل گیری افکار اولیه این مقوله ادبی، به اوایل حکومت فتحعلی شاه قاجار و آشنایی ایرانیان با تمدن متحول اروپا و همچنین به نقد و نظریه پردازی های دگر اندیشان قبل از مشروطه مثل: میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی، میرزا فتحعلی آخوند زاده (آخوندوف)، میرزا آقاخان کرمانی، میرزا ملکم خان و... باز می گردد. ولی تاریخ پیدایش عینی و ملموس اولین جریان های شعری به دوره بیداری یا عصر مشروطه مربوط می شود. از جانب دیگر، تاریخ طرح و کاربرد اصطلاح "جریان شعری" در میان صاحب نظران و پژوهشگران، متعلق به چهل و دو سال قبل یعنی سال ۱۳۵۲ است. "قبل از سال ۱۳۵۲، برای بیان گرایش های مختلف ادبی یا شعری، کلماتی مثل "شیوه" (method)، "دسته"، (group) و "گروه" (group) به کار می رفت (دولت آبادی، ۱۳۴۰). در سال ۱۳۵۲ منوچهر آتشی و اسماعیل خوبی اولین کسانی بودند که اصطلاح "جریان" را برای توصیف گرایش های شعری در مصاحبه ی خود به کار بردند. در آن سال منوچهر آتشی، شاعر معاصر در مصاحبه و مباحثه با اسماعیل خوبی از او می پرسد: "آقای خوبی! آیا به جریان های شعری معاصر توجه کافی دارید؟" (خوبی، ۱۳۵۲). از نوع این سوال و جواب، معلوم می شود که منظور ایشان از "جریان های شعری معاصر"، گروه های خاصی از شاعران با ویژگی های خاص مشترک در قرن حاضر می باشد. دو سال بعد، در سال ۱۳۵۴ باز هم، اسماعیل خوبی در اثنای گفتگوهایش با علی اصغر ضرابی، از گرایش های متفاوت شعر معاصر تحت عنوان "جریان های شعری" یاد می کند و می گوید: "جریان های شعری معاصر... همچنان ادامه دارند و پیش می روند (خوبی: ۱۳۵۶). سه سال بعد از آن تاریخ در سال ۱۳۵۷ حمید زرین کوب، اصطلاح "جریان ادبی" را به کار می برد و می گوید: "از چند سال پیش که در دانشگاه فردوسی، عهده دار تدریس واحد "جریان های ادبی معاصر" بودم، به تهیه یادداشت هایی در زمینه ی شعر و نثر معاصر ایران پرداختم" (زرین کوب، ۱۳۵۸: ۴). ده سال بعد از آن زمان، در سال ۱۳۶۷ علی باباچاهی، مقاله ای با عنوان "جریان های شعر فارسی از دهه ی چهل تا امروز" در مجله ی آدینه چاپ می کند و در آن از گرایش دسته های مختلف شاعران تحت عنوان "جریان" یاد می کند. (باباچاهی، ۱۳۶۷) منظور از جریان شعری (Poetic Current) مجموعه ای از اصول و قواعد مشترک شعری گروهی از شعرا و صاحب نظران عرصه شعر و ادب است که اولاً روند کلی حاکم بر شعر زمان و بخشی از آن را به چالش می کشند. در ثانی در این صدد هستند که به زعم خودشان با ارائه مرام نامه و مانیفست خاصی، برای زدودن کهنگی ها از سیمای شعر روزگار، راه نوینی پیشنهاد کنند. در این راستا اکثریت قریب به اتفاق بنیان گذاران جریان های شعری در ایران تحت تاثیر مکاتب ادبی اروپا قرار گرفته اند.

در میان جریان های ادبی متعدد و نوظهور معاصر، یکی از جریان های استوار شعری، "جریان شعری سنت گرای معاصر" بوده است. این جریان شعری، با وجود پیدایش بازار جریان سازی در شعر از آغاز این قرن تا کنون، در کنار دیگر جریان های مدرن شعری، همچنان به راه خود ادامه داده و هم اکنون نیز به عنوان یکی از جریان های مطرح شعری به شمار می آید. مقصود از "جریان شعر سنت گرای معاصر"، شعری است که از نظر قالب هیچ تفاوتی با شعر گذشته ندارد. و غالباً در قالب های غزل، قصیده، رباعی، قطعه، مثنوی و چهار پاره یا دوبیتی نو (که در قرن اخیر رایج شده) سروده می شود. به طور کلی می توان جریان شعری سنت گرای معاصر ایران را از حیث پایبندی به قواعد و معیارهای زیبا شناختی و فنی شعر کهن و میزان نوآوری و تنوع جویی در مضامین شعری و... به چهار گروه زیر تقسیم کرد: ۱- جریان شعری سنت گرایان محض ۲- جریان شعری نیمه سنتی (کلاسیک های جدید) ۳- جریان شعر سنتی مدرن (شعر رمانتیک جامعه گرا و انقلابی) ۴- جریان شعر سنت گرای پست مدرن (غزل پست مدرن). در این مقاله اهتمام نویسنده بر آن است که با استفاده از شیوه نقد تحلیلی (Analytical criticism) و ادبیات انتقادی (Literary criticism)، به نقد و معرفی چهار جریان شعری یاد شده بپردازد.

در باب پیشینه تحقیق باید گفت که کتاب های زیادی در رابطه با ادبیات و شعر معاصر نوشته شده است که در میان مباحث مختلف آن ها به صورت غیر منسجم و جسته و گریخته، اشاراتی در باب "شعر سنت گرای معاصر" نیز به چشم می خورد که چندان منسجم و متشکل نیست. به همین دلیل ضرورت انجام این مقاله احساس شد. تا علاوه بر تقسیم بندی موضوع به چهار جریان شعری، به تشریح و معرفی کامل هر کدام از این ها و بیان خصایص و ویژگی های آنها پرداخته شود. از کتاب هایی که تا کنو در زمینه موضوع نوشته شده می توان به موارد زیر اشاره نمود: آرین پور در فصل هفتم و هشتم کتاب "از نیما تا روزگار ما" در معرفی ملک الشعرای بهار و هنگام بحث از موضوعی با عنوان "پیکار کهنه و نو"، اشاراتی به "جریان سنت گرای معاصر" دارد. محمدجعفر یاحقی در بخش دوم کتاب جویبار لحظه ها، با مطلبی تحت عنوان "ادامه شعر سنتی در عصر نیما"، به معرفی شعر سنت گرای معاصر و ویژگی های آن پرداخته است. مرحوم قیصر امین پور در کتاب "سنت و نوآوری در شعر معاصر" به سیر تحولات هنر و ادبیات پرداخته و دگردیسی قالب ها و قواعد شعر فارسی را از آغاز تا امروز مورد کنکاش قرار داده است. علی حسین پور چافی، در فصل دوم کتاب "جریان های شعری معاصر فارسی" به جریان شعر سنت گرای معاصر (در مقابل شعر نوگرایی نیمایوشیج) اشاره کرده و ویژگی های آن را بر شمرده است. کاووس حسن لی در مقدمه کتاب گونه های نو آوری در شعر معاصر ایران، با موضوعی تحت عنوان "شعر پیش از نیما" و "شعر پس از نیما"، توضیحات پراکنده ای در خصوص "جریان شعری سنت گرای معاصر" بیان کرده است. مهدی شادخواست در فصل دوم کتاب "در خلوت روشن" به معرفی شعر نو تغزلی پرداخته که از انواع شعر سنت گرای معاصر به شمار می رود. عباس باقی نژاد فصل چارم کتابش (تاملی در ادبیات معاصر)، شعر معاصر پس از دهه بیست را به سه جریان: سنت گرا، شاعران میانه و نوپرداز تقسیم کرده است. مهدی زرقانی در بخشی از کتاب "چشم انداز شعر معاصر ایران"، جریان های شعری را به سه قسمت: سنتی، نیمه سنتی و نیمایی تقسیم می کند. از دیگر کتاب هایی که اشاراتی در خصوص شعر سنت گرای معاصر آمده، می توان به موارد زیر اشاره نمود: ۱- کتاب "جریان شناسی شعر معاصر"، تالیف یوسف عالی عباس آباد، ۲- کتاب "ادوار شعر فارسی"، نوشته محمدرضا شفیعی کدکنی. ۳- کتاب "چشم انداز شعر نومی فارسی"، تالیف حمید زرین کوب، ۴- کتابش را "گزاره هایی در ادبیات معاصر ایران (شعر)"، تالیف علی تسلیمی. ۵- کتاب با چراغ و آینه در جستجوی ریشه های تحول شعر معاصر ایران، تالیف محمدرضا شفیعی کدکنی.

۲- روش تحقیق

روش انجام این تحقیق مبتنی بر شیوه های التقاطی از جمله: نقد تحلیلی (Analytical criticism)، نقد تاریخی (Historical analyzed) و مطالعه کتابخانه ای است. برای نیل به مقصود، کلیه آثار و کتاب ها و مقالاتی که در زمینه تاریخ و ادبیات معاصر نوشته شده، مورد مطالعه و کنکاش قرار گرفته است.

۳- بحث: جریان های شعر سنت گرای معاصر فارسی

شعر سنت گرای معاصر، شعری است که از نظر قالب هیچ تفاوتی با شعر گذشته ندارد. و غالباً در قالب های غزل، قصیده، رباعی، قطعه، مثنوی و چهار پاره یا دوبیتی نو (که در قرن اخیر رایج شده)، سروده می شود. با توجه به این که پس از انقلاب مشروطه تا کنون (به ویژه تا انقلاب اسلام ۱۳۵۷)، عرصه ادبیات به خصوص عرصه شعر، میدان ظهور و نمایش جریان های مختلف شعری بوده است، لذا تقسیم بندی شاعران به گروه های مختلف و منتسب کردن آن ها به جریان شعری خاص، بسیار دشوار و شاید غیر واقع بینانه باشد. چرا که شاعران در مقاطع مختلف زندگی خود همیشه بر یک دیدگاه و جریان فکری و ادبی پایبند نمانده اند؛ بلکه تحت تاثیر عوامل و زمینه های مختلف از جمله جنبش ها و جریان های فکری و حوادث و دگرگونی ها و تحولات اجتماعی و سیاسی و فرهنگی جامعه و... ساختار فکری و شعری شاعران نیز متحول می شده و در نتیجه، در سروده هایشان به موضوعات اجتماعی و انتقادی واکنش های متفاوت و بعضاً متعارضی نشان داده اند. برای نمونه هوشنگ ابتهاج در مقدمه مجموعه «سراب» خود که اثری با مایه های

رمانتیک عاشقانه بود، در اعتراف گونه ای، پشیمانی و تاسف خود را از انتخاب مسیر نادرست در شعرهای این مجموعه (سراب) بیان می دارد و برای جبران این نقیصه، در مجموعه بعدی خود یعنی «شبگیر»، اشعار اجتماعی و انقلابی می سراید. البته در مقدمه «سراب» به پیشگاه ملت نوشته است: «به هنگامی که نگاه آزاد مردان کشور من از پشت میله های زندان شعله می کشد، من برای نگاهی شعر ساخته ام که در آن عشق و هوس ترانه می زند و می رقصد... به هنگامی که گرگان خون آشام گروه گروه مردان و زنان و کودکان را به کشتارگاه های جنگ و ستیز می کشانند، من بر فراز عشق های خویش گریسته ام» (ابتهاج، ۱۳۳۰). بنابر این منتسب کردن چنین شاعری به یکی از جریان های ادبی، نمی تواند عاری از سوال و ایراد و شبهه باشد.

به طور کلی می توان شاعران سنت گرای معاصر ایران را از حیث پایبندی به قواعد و معیارهای زیبا شناختی و فنی شعر کهن و میزان نوآوری و تنوع جویی در مضامین شعری و... در چهار جریان فکری جای داد که در این قسمت به معرفی هر کدام از این جریان ها و بیان ویژگی ها و برشمردن شاعران مطرح هر کدام از آن ها می پردازیم:

۴-۱- جریان شعری سنت گرایان محض

شاعران این جریان شعری از حیث فرم درونی و بیرونی شعرشان، به سنن ادبی کلاسیک پایبند بوده اند. اغلب برای بیان اندیشه ها و احساسات وصفی و شخصی و غنایی خود از قالب های شعری غزل و بعضاً چهار پاره و قصیده استفاده کرده اند. این ها در حقیقت ادامه دهندگان جریانی هستند که با پیش گامی ملک الشعرای بهار ظهور کرد. شایان ذکر است که در سال ۱۲۹۴ ه.ش (۱۹۱۵م) ملک الشعرای بهار، به همراه گروهی از ادیبان و فاضلان روزگار مثل عباس اقبال آشتیانی، رشید یاسمی، سعید نفیسی و یحیی ریحان، انجمن ادبی "دانشکده" را تشکیل دادند. بهار در شماره اول "مجله دانشکده"، مرام این انجمن را "تجدید نظر در طرز رویت ادبیات ایران... احترام گذاشتن به اسلوب لغوی و طرز ادای عبارات اساتید متقدم با مراعات سبک جدید و احتیاجات عمومی حال حاضر" عنوان کرد (ملک الشعرا بهار، ۱۲۹۷). رشید یاسمی نیز هدف از تشکیل انجمن را "ترویج معانی جدید در لباس شعر و نثر قدیم و شناساندن موازین فصاحت و حدود انقلاب ادبی و لزوم احترام به آثار فصاحی متقدم و ضرورت اقتباس محاسن نثر اروپایی" اعلام نمود (رشید یاسمی، ۱۳۵۲).

بنابراین همان گونه که اشاره شد، شاعران این جریان شعری، اعتقادی به تغییر قالب و ساختار ظاهری شعر فارسی ندارند و سعی می کنند که مضامین و عواطف و اندیشه های خود را در همان قالب های کلاسیک فارسی (بیشتر در قالب غزل) به مخاطبان خاص خود عرضه نمایند. "با این تفاوت که این شاعران جز در موارد نادر، نتوانستند اشعاری هم شأن و هم تراز اشعار شاعران بزرگ گذشته یا حتی اشعاری نزدیک به سطح محتوایی و ادبی آن اشعار، خلق کنند. لاجرم شعر آنان شعری است کاملاً تقلیدی و غیر اصیل که با گذشت زمان محکوم به فنا و فراموشی است" (حسین پور چافی، ۱۳۸۴). پروین اعتصامی یکی از نمایندگان برجسته ی شعر کلاسیک ایران است که سبک و سیاق ویژه و خاص خود را در شعر فارسی پیدا کرده بود. از شاعرانی که پروین اعتصامی از آن ها تاثیر پذیرفته و الهام گرفته می توان به ناصر خسرو، سعدی و حافظ اشاره نمود. از دیگر شاعران این جریان ادبی می توان به افراد زیر اشاره نمود: محمدحسین شهریار، رهی معیری، پزما بختیاری، لطفعلی صورتگر، رعدی آذرخشی، جلال الدین همایی، بدیع الزمان فروزانفر، صادق سرمد، حبیب یغمایی، امیری فیروز کوهی، حمیدی شیرازی، ایرج دهقان، هادی حایری، حسین مسرور، عباس فرات و غلامحسین سرود و... همان گونه قبلاً نیز اشاره شد جهت گیری شاعران این جریان شعری همیشه ثابت و بر یک منوال نبوده؛ بلکه در مقاطع مختلف زندگی و به واسطه تاثیر و تأثرات عوامل و زمینه های مختلف و تحولات اجتماعی و سیاسی و فرهنگی جامعه، این شاعران نیز در سروده هایشان، حتی بعضاً به موضوعات اجتماعی و انتقادی واکنش نشان داده اند؛ به گونه ای که اگر صرفاً نمونه ای از این گونه اشعار ایشان را ملاک تقسیم بندی قرار دهیم، این شاعران در گروه ها و جریان های شعری دیگری، قرار خواهند گرفت. ولی به طور کلی از آنجایی که کلیت نظام فکری و

ساختار بیرونی و درونی شعر این‌ها، بر مبنای قالب‌ها و محتوای سنتی بنا شده است، لذا با توجه به این سیاق کلی، آنها را در جرگه شاعران سنت گرای محض قرار می‌دهیم.

۴-۲- جریان شعری نیمه سنتی (کلاسیک‌های جدید)

محققان و منتقدان شعر معاصر در نام‌گذاری این جریان شعری و شاعران آن، از عناوین و اصطلاحات مختلفی استفاده کرده‌اند که به مواردی از آن‌ها اشاره می‌شود: شعر میانه رو، شعر نوی میانه رو، اعتدالیون، محافظه‌کاران، کلاسیک‌های جدید یا سنت‌گرایان جدید، مدرنیست‌های محافظه‌کار، شعر نو سنتی، شعر نو قدمایی، شعر نوی تغزلی (حسین پور چافی، ۱۳۸۴)، نوکلاسیک یا رمانتیک (جعفری، ۱۳۹۴). در تعریف شعر نیمه سنتی گفته‌اند که: «شعری است که به حیث استفاده از عناصر شعری، به خصوص فرم بیرونی، از مبانی شعر سنتی فاصله گرفته ولی به مبانی شعر آزاد (نیمایی) نرسیده است» (زرقانی، ۱۳۸۳). از مهم‌ترین ویژگی‌های زبانی و ادبی این جریان شعری، توجه به قالب غزل، چهارپاره و تا حدودی مثنوی و مهجور ماندن سایر قالب‌های شعری است. علاوه بر این، شاعران این جریان شعری به فصاحت و بلاغت کلام نیز توجه زیادی نشان می‌دهند و از صور زیبایی‌خیال و فنون ادبی برای آفرینش مضامین و اندیشه‌های عاطفی و احساسی سود می‌جویند. در کل می‌توان گفت شاعران جریان شعری نیمه سنتی، مضمون‌گرا هستند و توجه به معانی و مضامین عالی با ساختار منسجم و زیبای بیرونی کلام در سر لوحه اندیشه آن‌ها قرار گرفته است و ابهام در شعر آن‌ها به چشم نمی‌خورد. تفاوت شاعران این جریان شعری با شاعران جریان قبلی (سنت‌گرایان محض) در این است این‌ها با تغییر در زبان، فکر، تخیل و عواطف شعری به ویژه در غزل و دوبیتی نو، آن را برای سرودن مضامین تازه تر و به روزتر به کار برده‌اند ولی اندیشه‌ها و تخیلات شعر سنت‌گرایان محض، با اندک تفاوت‌هایی ادامه روند شاعران کلاسیک است. در ثانی برخی از اشعار شاعران این گروه جزو شعرهای نو محسوب می‌شود ولی مضامین تعدادی از شعرهای آن‌ها از جمله اشعار آغاز شاعری‌شان را اندیشه‌های سنتی تشکیل می‌دهد.

یکی از پیشگامان و مروجان شاخص این جریان شعری، فریدون توللی بوده است. «در فروردین سال ۱۳۲۵ نخستین شعر فریدون توللی به نام «مریم» در مجله سخن چاپ می‌شود. شعر مریم، تأثیر عمیقی بر مدرنیست‌های محافظه‌کار می‌گذارد و توللی را تا حد رهبری این جریان پیش می‌برد» (شمس لنگرودی، ۱۳۸۱، ج ۱). توللی در آغاز کار شاعری یکی از پیروان نیمایوشیچ بود. و به تقلید از منظومه «افسانه» نیما، شعرهای تغزلی می‌سرود. ولی بعدها از راه نیما بازگشت. خودش در این رابطه گفته است: «قرائت "افسانه" نیما در من تأثیر خاصی کرد. و به من - که تا آن تاریخ در سبک قدیم شعر می‌گفتم - راه نشان داد. و من حس کردم که جهت مسیر شعر من، همان راهی است که نیما در پیش گرفته است. از این رو، دنبال او رفتم. ولی بعد دیدم آن راه، راه مطلوب من نیست و حس کردم که باید در این جهت جاده بهتری کشید؛ لذا روش فعلی [شعر نوی تغزلی] را اتخاذ کردم» (توللی، ۱۳۴۶).

از جانب دیگر توللی به مخالفت با شاعران سنت‌گرا یا کلاسیک عصر خود می‌پردازد. او در مقدمه‌ی دفتر "رها" صراحتاً در مخالفت با کهن‌سرایان می‌گوید: "شاعران کهن سرای امروز، اغلب شعر خود را بدون در نظر گرفتن کیفیت و استعداد طبیعی سرزمین خویش، با استفاده از الگوهای توصیفی گذشتگان به وصف و تعریف طبیعت می‌پردازند... برای شاعر کهنه سرای امروز، بهار تبریز، کرمان، شیراز و هر نقطه دیگر بر نقشه ایران و عالم فرض کنید، یکسان و همانند است (همان). توللی با روی گردانی از شیوه نیما به اشعار رمانتیک و احساس‌گرایانه روی می‌آورد. بعد از آن، شعر او بازتاب تجربه و احساسات فردی است تا احساسات و عواطف اجتماعی. از ویژگی‌های این جریان شعری می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: ۱- توجه به احساسات فردی و غفلت از اجتماع و مردم. ۲- توجه به عشق‌ها و ارتباط‌های زمینی و جسمانی و فاصله گرفتن از عشق‌های آسمانی و عرفانی ۳- پرداختن به برخی از مفاهیم منافی اصول اخلاقی و عرفی ۴- وجود درون مایه اظهار ملال از زندگی و مسئله مرگ و مرگ طلبی ۵- آکنده بودن اشعار از درد و دریغ و آه و اندوه ۶- تهی بودن اشعار از اندیشه، تفکر و توجه بیش از حد به احساس و عاطفه. درون مایه شعرهای توللی، اندوه، دل‌تنگی، نوعی عاشق‌وارگی، عشق ورزی و اروتیک‌عریان است. ۷- استفاده از قالب چهارپاره و قالب‌های مستزاد گونه

۸- دقت و وسواس در به کارگیری واژه ها و ترکیب های زیبا و خوش آهنگ ۹- استفاده از برخی مختصات زبانی سبک های کهن ۱۰- کوشش در جهت خلق مضامین و تعبیر نو. ۱۱- گرایش به تصاویر رؤیا گونه، خیالی و انتزاعی. گه گاه امید به فردا و رستگاری کارگری هم در شعرهایی مثل "شیپور انقلاب" دیده می شود. شعرای رمانتیک از جمله توللی، همیشه به زیبایی ها و آرمان شهرها توجه دارند و "ترجیح بند حرف هایشان این است که روزگار قدرشان را ندانسته و زن و فرزند و جامعه شان، آن ها را نمی شناسند. به همین خاطر بسیار سرگردان و تک و تنها هستند. از شاعران معروف این جریان شعری علاوه بر فریدون توللی (بانی و تئوریسین شعر تغزلی نو ایران) می توان به افراد زیر اشاره کرد : نادر نادر پور، فریدون مشیری، مهدی سهیلی، مهدی حمیدی، محمد علی اسلامی ندوشن، حسن هنرمندی، دکتر محسن هشترودی، صدرالدین الهی، غ- تاج بخش، امان اله احسانی، اسماعیل خوبی، هوشنگ ابتهاج، فرخ تمیمی و...

۴-۳- جریان شعر سنتی مدرن (شعر رمانتیک جامعه گرا و انقلابی)

شاعران این جریان شعری، وجهه همت و اندیشه و احساس خود را ارزانی اجتماع و دغدغه های آن می کنند. جامعه با همه گرفتاری هایش در راس قله اندیشه و خیال رمانتیک های انقلابی و اجتماعی نشسته است. «معمولی ترین مفهوم رمانتیسم، سر و کار داشتن آن با عشق و افکار شاعرانه است» (ده بزرگی، ۱۳۸۷). حال اگر شاعر رمانتیک، بخواهد به محیط، اجتماع، ملت، میهن، مردم و مقولاتی از این قبیل توجه نشان دهد و از آن ها در شعر خود سخنی بگوید، نوعی از رمانتیسم شکل می گیرد که به آن به رمانتیسم جامعه گرا یا انقلابی تعبیر می شود» (حسین پور چافی، ۱۳۸۴). فرم درونی شعر شاعران این جریان شعری، نو و تازه است ولی در قالب های ها، کلاسیک و غالباً غزل سروده شده اند. چرا که از میان قالب های شعری کلاسیک، قالب غزل تنها قالبی است که همچنان با محبوبیت در میان جریان های گوناگون شعری معاصر ایران بر جا مانده است و هم اکنون نیز طرفدارانی دارد بنابر این در اینجا مقصود از "جریان شعر سنتی مدرن" بررسی و کنکاش "غزل مدرن" یا "غزل نو" است. این نوع غزل را با نام های دیگری از جمله "غزل فرم" و "غزل روایی" (روحانی و منصور، ۱۳۸۶) نیز نام گذاری کرده اند. این جریان شعری از نظر تاریخی پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ شکل گرفت. تفاوت این جریان شعری با شاعران جریان نیمه سنتی در این است که همان گونه که اشاره شد، شاعران این جریان، ضمن بیان احساسات و عشق و عواطف شخصی خود، از درد و غم ها، آرمان ها و مسائل گریبانبر ملت و جامعه خود نیز سخن می گویند ولی روح حاکم بر اغلب اشعار شاعران نیمه سنتی، توجه به دغدغه ها و روحيات شخصی و شخصیتی خود شاعران بوده است.

این قالب شعری را بیشتر با نام خانم سیمین بهبهانی (۱۳۰۶ ش) می شناسند. همان شاعرهای که علی باباچاهی، شاعر معاصر، او را "نیمای غزل" (بختیاری، ۱۳۹۵)، می خواند. و علیرضا بهنام می گوید: "سیمین بهبهانی به راستی در تاریخ ادبیات معاصر، ستاره درخشانی است. و می توان او را به حق "بانوی غزل معاصر" نامید." (باباچاهی، ۱۳۶۷) بهبهانی شاعری است که "به آرامی از ذهنیت کلاسیک و نوکلاسیک، به خانه نوگرایی آمده است" (عابدی، ۱۳۷۹). در کل می توان گفت دوران زندگی شعری سیمین بهبهانی به دو دوره تقسیم می شود. در دوره اول و آغاز شاعری خود، به شعر نیمه سنتی با مضمون اجتماعی روی می آورد. اما خیلی زود متوجه می شود که مبنای شخصیت شاعری اش متعلق به شعر سنتی و مضامین غنایی است. دوره دوم شاعری سیمین بعد از سرودن مجموعه شعری "رستاخیز" شروع می شود. او در مقدمه "رستاخیز" هدف خود را تلفیق مضامین اجتماعی با قالب غزل معرفی می کند. وی به قصد دمیدن روح زمان در پیکره غزل، بعدها علاوه بر نوگرایی در زبان و تخیل، از حوزه اوزان رایج غزل فارسی گامی فراتر نهاد. و وزن های غیر رایج یا ابتکاری را به کار گرفت. این حرکت ابداعی در سال های پس از انقلاب نیز در آثار بهبهانی تداوم یافت و او کوشید تا با بهره گیری از فضا سازی های روایی، توالی منطقی ابیات، بافت موسیقایی نو و رگه های بینش فلسفی- اساطیری، غزل را از روح سنتی تهی کند و به آن جان و جوهر تازه و متناسب با زمان ببخشد. شاخصه ها و مؤلفه های اشعار سیمین بهبهانی عبارتند از: ۱- تصویرگری های بدیع و زیبا در قالب غزل ۲- نزدیک کردن غزل به شعر نو و سپید از جهت مضامین، تصاویر و نحوه استفاده از واژگان. ۳- گسترش اوزان غزل؛ به عبارت دیگر، استفاده از اوزان بی سابقه

یا کم سابقه در قالب غزل نزدیک کردن غزل به فضای سوررئالیستی و استفاده از سمبل ها در بسیاری از موارد (شادخواست، ۱۳۸۴)، روایی بودن زبان غزل سیمین (حق شناس، ۱۳۸۳). ۱۰- دارا بودن رنگ و صبغه ی شخصی در غزل ها (یعنی جهان و عشق و... را تنها با چشم خود دیده و با دلش احساس کرده، نه از طریق تکرار شعرهای دیگران) (زرقانی، ۱۳۸۳). ۳- جهان بینی متفاوت شاعر در مقایسه با شاعران متقدم (الزام تعهد اجتماعی) ۴- نزدیک کردن زبان غزل به زبان محاوره (که از اهداف نیما بوده است). ۵- کلوز آپ (بزرگ نمایی) ناهنجاری ها و آلام بشری در شعر. به عبارت بهتر، زیر ذره بین بردن ناهنجاری ها در جهت اصلاح در جامعه. ۶- بیان زنانه (مونث) در شعرهای غنایی که تاووم اشعار زنانه فروغ فرخزاد است. غیر از سیمین بهبهانی از دیگر پیشگامان و شاعران شعر سنتی مدرن یا غزل نو معاصر می توان افراد زیر اشاره کرد: حسین منزوی، هوشنگ ابتهاج، کارو (م. دردریان)، نصرت رحمانی، سیروس پرهام، محمد کلانتری، محمد زهری، محمود پاینده لنگرودی، نصرت الله نوحیان، منوچهر نیستانی، پرویز خائفی، اصغر واقدی، سیروس مشفق. نودز پرنگ، محمدعلی بهمنی، قیصر امین پور، فاطمه راکعی، ساعد باقری، سهیل محمودی، علیرضا قزوه، عبدالجبار کاکایی.

به طور خلاصه ویژگی های جریان شعر سنتی مدرن عبارتند از: ۱- توجه به مسائل و مفاهیم اجتماعی و سیاسی ۲- برخورد احساسی و عاطفی و غنایی با مسائل و مباحث اجتماعی و سیاسی ۳- توجه به فقر، فساد و نابرابری های اجتماعی، کم شدن دقت و وسواس شاعران این جریان در گزینش واژه ها و ترکیبات فصیح، خوش آهنگ و زیبا، نسبت به شاعران جریان نیمه سنتی مثل توللی، نادرپور و... ۴- رواج واژه های کوچه و بازار و واژه های غیر فصیح در اشعار برخی از شاعران این جریان شعری ۵- کم شدن خیال بافی ها و توهمات شاعران رمانتیک فردگرا و نیمه سنتی از حیث تخیل و تصویر. ۶- کاسته شدن از بار تصویری زبان شعری این جریان به علت روی آوردن بیشتر به واقعیت های اجتماعی. ۷- کاهش معیارهای ادبی و زیباشناختی این جریان شعری نسبت به اشعار نیمه سنتی یا رمانتیک فردگرا.

۴-۴- جریان شعر سنت گرای پست مدرن (غزل پست مدرن)

در اینجا مقصود از شعر سنت گرای پست مدرن به صورت مجازی (مجاز به علاوه کل به جزء)، غزل پست مدرن یا "غزل پست مدرن" است. "غزل پست مدرن" از جریان های نوظهور در ادبیات ایران است که توسط سید مهدی موسوی و برخی از شاعران جوان دیگر در سال های اخیر مطرح شده و دنبال می شود. این ها خواهان تحولات بنیادینی در قالب غزل هستند. و به شعری می اندیشند که مثل "شعر سپید" یا شعر شاملویی، مضامین و اندیشه های پست مدرنی را در آن جای دهند با این تفاوت که وزن و قافیه "غزل" آسیب نبیند.

سید مهدی موسوی، بنیان گذار و تئوریسین این جریان شعری (غزل پست مدرن) می گوید: "به موازات حرکت شعر نئوکلاسیک، اتفاقاتی رخ داد که منجر به جریانی موازی شد. جریانی که بیش از آن که زائیده غزل نئوکلاسیک باشد، فرزند ناخلف "شعر سپید" بود. فضای تلفیقی، التقاطی جامعه ای که سنت، مدرنیته و پسامدرنیته را یک جا و حتی به گونه ای تفکیک ناپذیر در بر می گرفت، این فکر را به ذهن غزل سرایان متبادر کرد که دغدغه های پسامدرن انسان امروز را می شود در قالب منظم غزل ریخت تا به نوعی باز نمود وضعیتی حاکم بر جامعه باشد." (موسوی، ۱۳۹۵) ایشان در جای دیگری با اشاره به تعارضات زندگی انسان های پست مدرن، موضوع "غزل پست مدرن" را این گونه تشریح می کند: "نباید فراموش کرد که غزل "پست مدرن" در واقع بیان یک وضعیت پسامدرن با استفاده از ابزارهای مدرن است. یعنی بسیاری از ویژگی های حاکم بر این نوع شعر، از اصول دنیای مدرن می باشند. و در اینجا تفکر موجود به نوعی در تضاد با ابزار و دنیای پیرامون قرار گرفته است. این دقیقاً وضعیت انسان پست مدرن امروز است که در جهانی زندگی می کند که موج صنعتی و مدرنیسم غالب شده و تعارض ها و روان پریشی این انسان ابا تجربه این دوگانگی [موضوع اکثر غزل های پست مدرن گردیده است. پس اگر ما به تلفیق آگاهانه دو تفکر دست زده ایم که در مقابل هم قرار گرفته اند و اگر گاهی به این چهچوب ها، تن می دهیم و فقط در مورد معدودی آن هم بسیار محتاطانه] در مقابل قالب دست به عصیان می زنیم، به نوعی قصد بازآفرینی وضعیت شخصیت هایی را داریم که در

جامعه‌ی پیرامون ما دچار این دوگانگی و تعارض شده‌اند. "گویا این اظهارات سید مهدی موسوی برگرفته از این عقاید برایان مک‌هیل در کتاب ارزشمند خود تحت عنوان «داستان پست مدرنیستی» باشد که می‌گوید: «دغدغه‌های فلسفی انسان از مدرنیسم تا پست مدرنیسم تغییر یافته‌اند، به گونه‌ای که پرسشهای اندیشمندان مدرنیسم بیشتر معرفت‌شناسانه (epistemological) است در حالی که این پرسشها در پست مدرنیسم جای خود را به مجهولات هستی‌شناسانه (ontological) داده است. در مدرنیسم این سوالات مطرح بود که این دنیا چگونه دنیایی است یا اساساً انسان از کجا آمده است، حال آنکه هستی‌شناسی پست مدرن بیشتر ما را به هویت، نقش وجودی ما در دنیای کنونی و تعبیر ما از هستی مواجه می‌سازد (Mchale, 1987).

این جریان ادبی از زمان تولد با نظرات متناقض شاعران و منتقدان رو به رو شد. عده‌ای از شعرا و صاحب‌نظران عرصه شعر، این جریان ادبی را قبول دارند و به حضور و تأثیر آن در ادبیات ایران خوشبین هستند. عده‌ای هم غزل پست مدرن را به عنوان جریان ادبی رد می‌کنند. و آن را تلفیقی ناهمخوان می‌دانند. سیروس نوذری، شاعر و پژوهشگر ادبی در رده این جریان شعری می‌گوید: "قبل از ورود به پست مدرن باید از مدرنیسم گذشت. به اعتقاد من، مدرنیسم به مفهومی که در غرب وجود دارد هنوز به ایران وارد نشده است. چون مدرنیسم اسبابی می‌خواهد که به تحولات عمیق اجتماعی مربوط می‌شود: تحولاتی نظیر لیبرالیسم، آزادی‌های فردی و... که هنوز وارد ایران نشده است. جامعه ایرانی نه تنها سنت‌گرا، بلکه سنت‌زده است و جامعه سنت‌زده به طور طبیعی نمی‌تواند خودش را با مدرنیسم هماهنگ کند." (مقدم، ۲۰۰۹). فیض شریفی، شاعر و محقق معاصر نیز در رده غزل پست مدرن گفته است: "چون غزل مربوط به دوره کلاسیک شعر فارسی و شعر عربی است، نمی‌توان مضامین پست مدرن را در آن گنجاند. غزل مثل قفس تنگی است که مفاهیم پست مدرن در آن نمی‌گنجد" (همان).

رضا کاظمی، شاعر معاصر و یکی از طرفداران "غزل پست مدرن" در اعتراض به منتقدان و منکران این جریان شعری و در دفاع از این جریان می‌گوید: "چه نیازی است که کسی بگوید غزل پست مدرن وجود دارد یا برعکس؟ و بدتر از همه این که یک بابایی مثل علی باباچاهی که هیچ حق آب و گلی در قدمگاه غزل ندارد این را بگوید. مهم این است که هنوز غزل وجود دارد. قدرتمندترین و گیراترین موج غزل سرایی در نسل جوان در تمام تاریخ ادبیات قرن اخیر در این سرزمین پا گرفته. نه از همین امروز و دیروز که از ده پانزده سال پیش تر از این. این غزل هرچه هست، دست کم، می‌شود آن را "غزل امروز" یا "غزل زمانه" و "هم دوره" نامید. یا "غزل دوران تردید" (همان). برخی از نشانه‌های "غزل دوره تردید"، عبارتند از: ۱- باز اندیشی در ساختار و آرنژمان غزل (Neo Arrangement) ۲- ورود غزل به حیطه‌های جدی و عبوس غزل ۳- ناخنک زدن به تابوهای اخلاقی و قراردادهای اجتماعی ۴- ورود شناسه‌های زندگی مدرن تر به شعر ۵- ورود بیش از پیش گفتار کوچ به شعر" (محمدی، ۱۳۸۹). از شاعران این جریان شعری می‌توان به افراد زیر اشاره نمود: بیژن جلالی، سید مهدی موسوی، سیروس نوذری، فیض شریفی، علی عبدالرضایی و...

شناسه‌های غزل پست مدرن به قرار زیر است: ۱- شکست روایت: یعنی دیگر ساختار خطی و روایی بر غزل حکم فرما نمی‌باشد. بلکه اعتقاد بر این است که ساختاری بر شعر حکم فرما باشد تا ما بتوانیم آن را بشکنیم. به بیان دیگر در شعر کلاسیک واحد شعر مصراع یا بیت است اما در غزل پست مدرن کل غزل واحد می‌باشد. ولی نه به گونه‌ای که به روایتی خطی بینجامد. این نوع نگاه شاید بیشتر نشأت گرفته از نگاه خاص پست مدرن‌ها به مسأله "زمان" می‌باشد. آن‌ها زمان را نه به صورت یک حرکت خطی و دارای تقدم و تأخر، بلکه از بالا به صورت یک کلیت پیوسته و دارای جزء‌های نامشخص و دارای ارزش یکسان می‌بینند. و حوادث در این نگاه سیر منطقی خود را طی نمی‌کند. و می‌توان در این نگاه آینده را قبل از گذشته لمس کرد. ۲- اتفاق در زبان: شاید مهم‌ترین ویژگی این نوع غزل در نزد مخاطب است. مثل "اتفاق حروف" یا "واج آرابی"، که غزل سرای پست مدرن با آمیختن روانشناسی و شعر، به تأثیر گذاری مختلف حروف و انتقال حس‌های مختلف توسط آن توجه ویژه‌ای مبذول می‌کند. این مسأله در استفاده از صدهای کوتاه و بلند و طول کلمات نیز به چشم می‌خورد. گاهی "اتفاق در زبان" از سطح حروف بالاتر می‌رود و به

سطح "کلمه" می رسد. در غزل پست مدرن، به خاطر رعایت وزن و قافیه، از واژه های مترادف به جای هم استفاده نمی شود. زیرا هر کلمه برای مخاطب دارای حسی ویژه و نوستالوژی حاکم بر ذهن متفاوت است. مثلاً کلمه ی "خوشگل" در شعر زیر از جنبه ی اروتیک بیشتری نسبت به کلمه ی "زیبا" یا "قشنگ" می باشد. و با بقیه شعر تناسب بیشتری دارد: "عروس خوشگل من، زیر تور شعر سپید... ویژگی "اتفاق در زبان"، در سطح جمله نیز وجود دارد. مثلاً با ایجاد تابع اضافات، تنبلی و بی حالی و به درازا کشیده شدن جمله به خواننده منتقل می شود. یا به واسطه ی به کارگیری هجاهای بلند و استفاده از زحاف های متفاوت و یا نا تمام گذاشتن انتهای جمله، مرگ شخصیت را بر روی زبان، پیاده می کنیم. بخش دیگری از مسئله "اتفاق در زبان" که در این سال ها به آن توجه بیشتری شده است، تغییر در نُرم کلمه و نحو، یعنی "تصرف در زبان" است. مثلاً شاعر می گوید: "بَلَبِمَ لبان مرا، بزاق را حل کن." "لبیدن" مصدری جعلی است که به ضرورت برای ایجاد حسی که فعل های مترادف منتقل نمی کنند به کار گرفته شده است. "بَلَبِمَ" تقریباً به معنای "لبم را بیوس" است. ۳- توجه خاص به "فُرم" در غزل پست مدرن. در شعر از تمامی ارکان برای ایجاد فرم های پیچیده استفاده می شود. مثلاً تکرار یک کلمه می تواند ما را از جایی به جای دیگر ارجاع دهد. ۴- چند صدایی بودن غزل پست مدرن ۵- به کار بردن "طنز، هجو و هزل" در شعر پست مدرن ۶- استفاده از تصاویر ملموس که به نوعی نشانه های پیرامونی یک کلمه هستند به جای استفاده از کلمات و تعابیر مثل عشق و نفرت و... ۷- توجه به مسأله "مرگ مؤلف" در غزل پست مدرن ۸- استفاده از تصویر ۹- به کار بردن کلمه ی تخصصی و نیمه تخصصی "موسوی" (۱۳۹۵).

۵- نتیجه گیری

نتیجه بحث این است که در میان جریان های مدرن شعری در سده اخیر، جریان شعر سنتی همچنان با قوت و قدرت به راه خود ادامه داده و به طور کلی از آغاز سده اخیر تا کنون، می توان انواع و اقسام این جریان شعری را به چهار شاخه مجزاً تقسیم بندی نمود. جریان اول "جریان شعری سنت گرایان محض" است که در حقیقت ادامه دهندگان جریانیه هستند که با پیشگامی ملک الشعرای بهار پس از انقلاب مشروطه ظهور کرد. جریان دوم، جریان شعری نیمه سنتی (کلاسیک های جدید) است. همان گونه که از نامش پیداست، از نظر قالب های شعری، سنتی بودند ولی مضامین و درونمایه های مدرن را در قالب کلاسیک خود جای داده بودند. جریان شعری سوم، "جریان شعر سنتی مدرن" (شعر رمانتیک جامعه گرا و انقلابی) است که شاعران این گونه شعری، به سرودن "غزل مدرن" می پردازند. جریان شعری چهارم، جریان شعر سنت گرای پست مدرن (غزل پست مدرن) است که با علاقه کل به جزء، به "غزل پست مدرن" یا "فرا غزل" اطلاق می شود. این جریان شعری توسط سید مهدی موسوی و برخی از شاعران جوان دیگر در سال های اخیر مطرح شده و دنبال می شود. این ها خواهان تحولات بنیادینی در قالب غزل هستند. و به شعری می اندیشند که مثل "شعر سپید" یا شعر شاملویی، مضامین و اندیشه های پست مدرنی را در آن جای دهند با این تفاوت که وزن و قافیه ی "غزل" آسیب نبیند.

منابع

- ۱- ابتهاج، هوشنگ. (۱۳۳۰). سراب، تهران، نشر صفی علیشاه..
- ۲- باباچاهی، علی. (۱۳۶۷). ۵۷ سال شعر نو فارسی، تهران، مجله آدینه، ۲۵ خرداد ۱۳۶۷، صص ۴۱-۳۸.
- ۳- باباچاهی، علی. (۱۳۶۷). جریانهای شعر فارسی از دهه چهل تا امروز، مجله آدینه، شماره ۲۶، صص ۳۳-۳۰.
- ۴- توللی، فریدون. (۱۳۴۶). رها، چاپ سوم، شیراز، انتشارات کانون تربیت.
- ۵- جعفری، سیاوش. (۱۳۹۴). شعر نو در ترازوی تاویل، چاپ اول، تهران، انتشارات مروارید.
- ۶- حسین پور جافی، علی. (۱۳۸۴). جریان های شعری معاصر فارسی (از کودتای ۱۳۳۲ تا انقلاب ۱۳۵۷)، چاپ اول، تهران،

انتشارات امیر کبیر.

- ۷- حق شناس، علی محمد. (۱۳۸۲). زبان و ادب فارسی در گذرگاه سنت و مدرنیته، تهران، انتشارات آگاه
- ۸- خویی، اسماعیل. (۱۳۵۲). از شعر گفتن، چاپ اول، تهران، نشر سپهر.
- ۹- خویی، اسماعیل. (۱۳۵۶). جدال با مدعی، چاپ دوم، تهران، انتشارات جاویدان.
- ۱۰- دولت آبادی، حسام الدین. (۱۳۴۰). شیوه ی نو و کهن در شعر معاصر، (مناظره ی ادبی حسام الدین دولت آبادی، نادر نادر پور و یدان... رویایی). مجله ی راهنمای کتاب، شماره های ۵ و ۶، صص ۹-۶.
- ۱۱- ده بزرگی، غلامحسین. (۱۳۸۷). تاریخ ادبیات جهان (از آغاز تا سده بیستم)، چاپ دوم، تهران انتشارات زوار.
- ۱۲- رشید یاسمی، غلامرضا. (۱۳۵۲). ادبیات معاصر، چاپ دوم، تهران: ابن سینا.
- ۱۳- روحانی، رضا و منصوره احمدرضا. (۱۳۸۶). غزل روایی و خاستگاه آن در شعر فارسی، فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره ۸، صص ۱۲۱-۱۰۵.
- ۱۴- روزبه، محمدرضا (۱۳۸۶). ادبیات معاصر ایران (شعر)، چاپ سوم، تهران، نشر روزگار.
- ۱۵- زرقانی، مهدی. (۱۳۸۳). چشم انداز شعر معاصر ایران، چاپ اول، تهران، نشر ثالث با همکاری انتشارات دبیرخانه شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی.
- ۱۶- شادخواست، مهدی. (۱۳۸۴). در خلوت روشن (بررسی نظریه ها و بیانیه ها در شعر معاصر)، چاپ اول تهران، انتشارات عطایی.
- ۱۷- شمس لنگرودی، (محمد تقی جواهری گیلانی). (۱۳۸۱). تاریخ تحلیلی شعر نو، جلد اول، تهران، نشر مرکز.
- ۱۸- عابدی، کامیار. (۱۳۷۹). ترنم غزل (بررسی زندگی و آثار سیمین بهبهانی)، تهران، نشر کتاب نادر.
- ۱۹- ملک الشعرا بهار. (۱۲۹۷). محمد تقی، مرام ما، مجله ادبی دانشکده، تهران، سال اول، شماره اول.
- ۲۰- بختیاری، نیلوفر. (۱۳۹۵). وزن، جویباری در غزل سیمین بهبهانی، سایت شهرستان ادب
- ۲۱- محمدی، سینا. (۱۳۸۹). تاملی بر غزل پست مدرن، سایت شعر نو
- ۲۲- موسوی، مهدی. (۱۳۹۵). شناسه های غزل پست مدرن، مجله الکترونیکی
- ۲۳- کاظمی، رضا. (۲۰۰۹). کابوس های فرامردن (درنگی بر غزل پست مدرن) سایت رضا کاظمی

- 24- McHale, Brian. (1987). Postmodernist Fiction. London, Methun.
- 25- <http://shahrestanadab.com/Content/articleType/ArticleView/articleId/6464/>
- 26- <http://shereno.com/post-10359.html>
- 27- <http://vista.ir/article/336946>
- 28- <http://www.rezakazemi.com/five.htm>